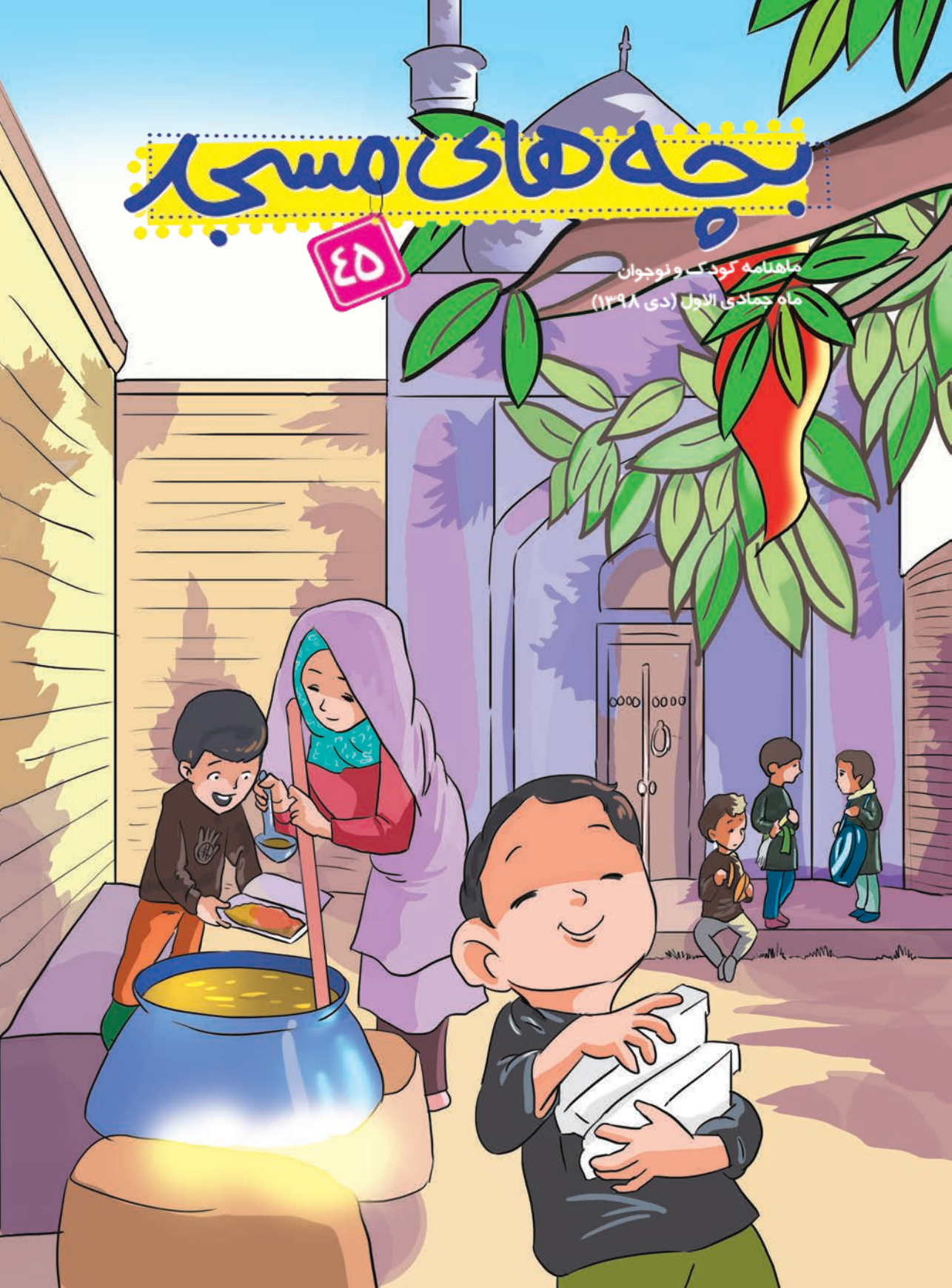


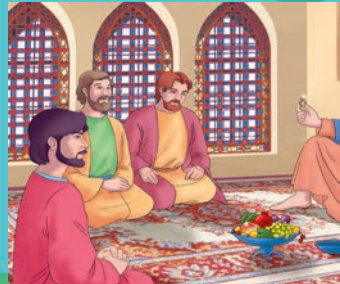
بچه‌های مسجد

۴۵

ماهنامه کودک و نوجوان
ماه جمادی الاول (دی ۱۳۹۸)



«بسم الله الرحمن الرحيم» فهرست مطالب

چستان ۱۴	جالب و خواندنی ۸	مقدمه ۳
		
جدول ۲۷	جدول حیوانات ۲۶	بهترین عمل ۲۰
		

رده بندی دیوئی: ۲۹۷/۰۵

سردبیر: محمد محمدی

صفحه آرا: محمد محمدی

تصویر گر: فهیمه حقیقی

تلفن: ۰۵۱۳۲۰۱۲۰۴۵

تیراژ: ۱۰۰۰۰ جلد

عنوان: بچه های مسجد

پدید آور: واحد آموزش و پژوهش امور مساجد خراسان

انتشارات: انتظار مهر ۱۳۹۸

مشخصات ظاهری: ۲۸ صفحه مصور رنگی

یادداشت: گروه سنی (ج)

موضوع: دین، کودک و زندگی

شابک: ۹۷۸۶۲۲۶۵۰۵۵۶۷





دوستان همیشگی بچه های مسجد، سلام

شما بچه های هوشیار حتما درباره انقلاب اسلامی از بزرگترها مطالبی شنیدید. شاید بعضی از شما در راهپیمایی های ۲۲ بهمن شرکت کرده باشید. بچه های عزیز، دشمنان دین ما و سرزمین ما همیشه در پی از بین بردن انقلاب اسلامی ما بودند. آنها هر کاری از دستشان برآمده انجام دادند تا انقلاب اسلامی ما را نابود کنند. مثلاً با تحریم، یا ترور دانشمندان هسته ای.

چند سال پیش هم دشمنان در زمانی که مردم می خواستند برای انتخاب رئیس جمهور کشورشان رای بدهند توطئه ای دیگر کردند، اما مردم هوشیار ما چند روز بعد برای دفاع از دین و سرزمین، راهپیمایی بزرگی انجام دادند که در تاریخ دنیا بی سابقه بود.

آن روز چه روزی بود؟ برای ما پیامک کنید.

سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۸۴۱۲۰۰۰۰۰۳



تصاویر شما



بچه های خوب مسجد امام رضا علیه السلام کاشمر.



بچه های خوب مسجد فاطمه زهرا علیها السلام پنجتن.



بچه های خوب مسجد امام علی (ع) بردسکن.



بچه های خوب مسجد امام خمینی (ع) شهرک طرق



(فاطمه زهرا ارمغان، از فیروزه): سلامی گرم در این زمستان
سرد به شما زحمتکشان، ممنونم که داستان ها رو زیاد
کردید.

(محمد رحمانی از خلیل آباد): سلام، لطفا در مجله درباره
خصلت های امام عصر علیه السلام هم بنویسید. ممنونم.

(میلاد رحمانی از تربت حیدریه): من مکبر مسجد جامع
هستم، ازتون می خوام قسمت های جوک، زندگی نامه
شهیدان و نقاشی را به مجله اضافه کنید.

(علیرضا نیازی از گلبهار): سلام به شما عوامل مجله بچه های
مسجد و خسته نباشید به شما. مجله ی شما با قسمت جالب
و خواندنی باعث می شود هوش ما بالا برود. لطفا پیامک
مرا در مجله چاپ کنید.

(طاها ریاحی از روستای کردیان): سلام. مجله ی زیبای شما
را خواندم و از آن لذت بردم. ممنون از شما.

(محسن شهرستانی از گناباد): من مکبر مسجد جامع گیسور
هستم و به همراه دوستانم هر شب در نماز جماعت شرکت
می کنیم. مجله های شما را دوست دارم.



(آرش آتش پنجه از بیرجند): سلام، مطالب هوشی را بیشتر و داستان ها را کم کنید. با تشکر.

(اقای فتحی): با سلام خدمت شما عوامل نشریه ی بچه های مسجد، می خواستم بگم این کتاب بسیار خوب را هم به روحانیونی که در مدارس ابتدایی نماز جماعت دارند اختصاص بدید. واقعا بچه های ابتدایی استقبال خوبی دارند.

(امیر رضا ناظر از فریمان): سلام و عرض ادب. لطفا داستان جنگ بدر را به مجله اضافه کنید.

و با تشکر از همه همراهان نشریه مخصوصا:
آیدا سوفی، ابوالفضل محمد نیا، ساجده کسایی
نژاد، محمد امین حکمتیان، مهدی بهشتی، علی
اصغر علی نیا، مهدی بهاری، رضا لطفی، فرزاد
داودی، امیر علی رحمانی، سجاد غفرانی، ابوالفضل
رحیمی، امیر حسین جبله، آوا خانم، رضا حمزه ای،
سجاد غفرانی، سجاد دیقی، فاطمه کریمی و ...



به ما پیامک بدهید:

۳۰۰۰۸۴۱۲۰۰۰۰۳

جالب و خواندنی

* دایناسورها حیواناتی هستند که از حدود ۲۳۰ میلیون تا ۶۵ میلیون سال پیش بر روی زمین می‌زیسته‌اند.

* جمجمه‌ی دایناسورها حفره‌هایی داشته که باعث سبک‌تر شدن جمجمه می‌شده است. بعضی از آنها جمجمه‌هایی به اندازه‌ی یک ماشین داشته‌اند.

* دایناسورها در تمام قاره‌ها، حتی قطب جنوب زندگی می‌کرده‌اند.

* برخی از دایناسورهای گیاهخوار باید روزانه حدود یک تُن غذا می‌خوردند.

* شاید بیشتر مردم تصور می‌کنند که دایناسورها خیلی غول پیکر بوده‌اند، اما آنها اغلب هم اندازه‌ی انسان‌ها یا کوچک‌تر بوده‌اند.

* دانشمندان بر این باورند که چون فسیل شدن استخوان‌های بزرگ راحت‌تر است و ما عموماً این استخوان‌ها را پیدا کرده‌ایم، باور مردم این است که همه آنها حتماً خیلی غول پیکر بوده‌اند.

* هیچکس دقیقاً نمی‌داند که طول عمر دایناسورها چقدر بوده است. بعضی دانشمندان عقیده دارند که بعضی از آنها ۲۰۰ سال هم عمر می‌کردند.

* بزرگ‌ترین تخم دایناسورها در حدود یک توپ بسکتبال بوده است.

* بیشتر دایناسورها گیاهخوار بوده‌اند.

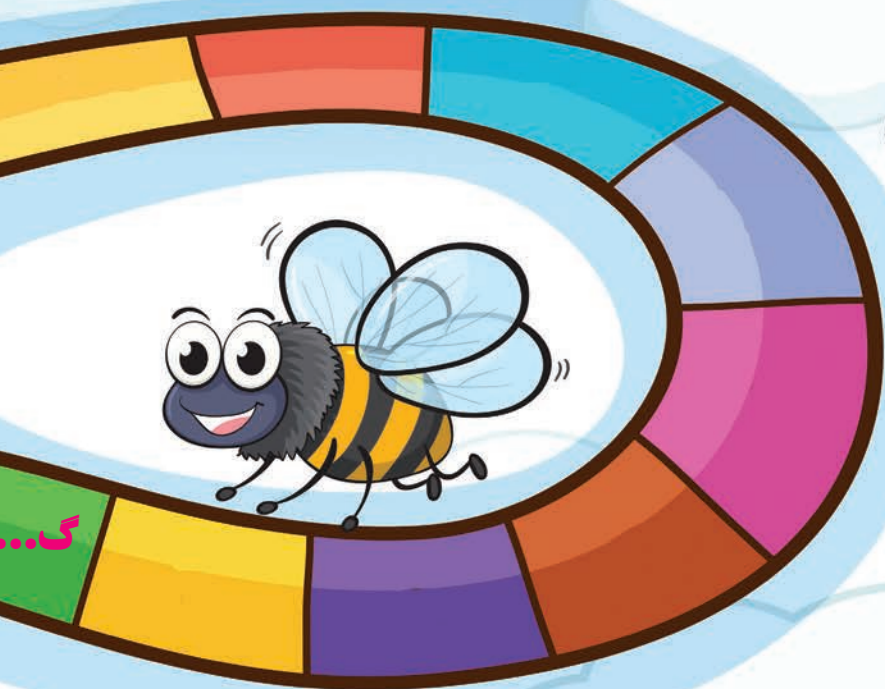
* اولین شواهد ثبت شده از کشف یک استخوان احتمالی مربوط به دایناسورها در ۳۵۰۰ سال پیش در چین بوده است. در آن زمان آنها نمی‌دانستند دایناسور چیست، به همین دلیل فکر می‌کردند که چیزی که پیدا کرده‌اند مربوط به اژدهاست!

دوست دارین «جالب و خواندنی» ماه بعد در مورد چه باشه؟

پیامک کنید: ۳۰۰۰۸۴۱۲۰۰۰۰۳



بازی



بچه ها، نظر شما در مورد این بازی چیه؟

سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۸۴۱۲۰۰۰۰۳

حیوانات



راهنمای بازی:

با حرف آخر هر حیوان، نام حیوان جدید را بنویسید. مثلاً حرف آخر (خروس)، سین است. حیوانی که با حرف سین شروع می شود، (سگ) است



خروس

سگ

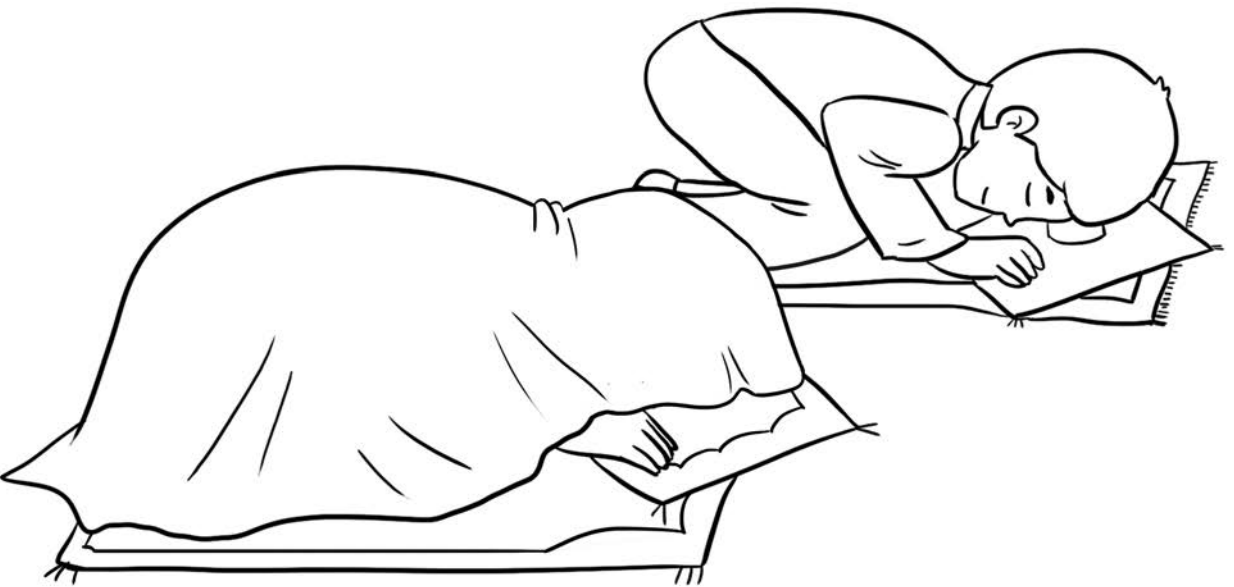
گربه

پیشنهاد:

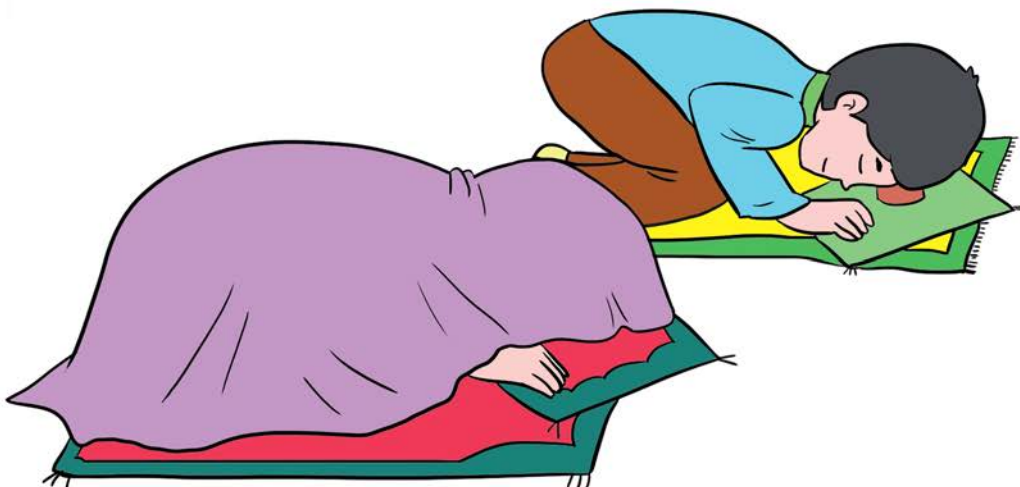
شما می توانید این بازی را با دوستان خود با موضوعات جدید مانند (سوره های قرآن، میوه ها، فامیلی ها، شهر ها و ... انجام دهید.

پیامبر اکرم ﷺ:

نماز مثل ستون چادر است؛ اگر ستون محکم و استوار باشد، طناب‌ها و میخ‌ها و پرده‌ها مفید خواهند بود؛ ولی اگر ستون چادر بشکند، دیگر طناب‌ها و میخ‌ها سودی ندارند.



زنگ نقاشی



بچه های عزیزم، دوست دارین «زنگ نقاشی ماه
بعد در مورد چه چیزی باشه؟

پیامک کنید: ۳۰۰۰۸۴۱۲۰۰۰۰۰۳





است؛

፩- ማጽናጽ ጽሑፍ;

2-600;

۳-۲۵ بک;

۳۔ سہ ماہی - د

1- ማረጋገጫ፤

ရဲအေး

۴- آن چیست که یک چشم دارد اما نمی‌تواند ببیند؟





شما هم می‌توانید چیستانهای خود را برای ما
ارسال کنید تا با نام خودتان چاپ شود.

سامانه پیامکی:

۳۰۰۰۸۴۱۲۰۰۰۰۰۳

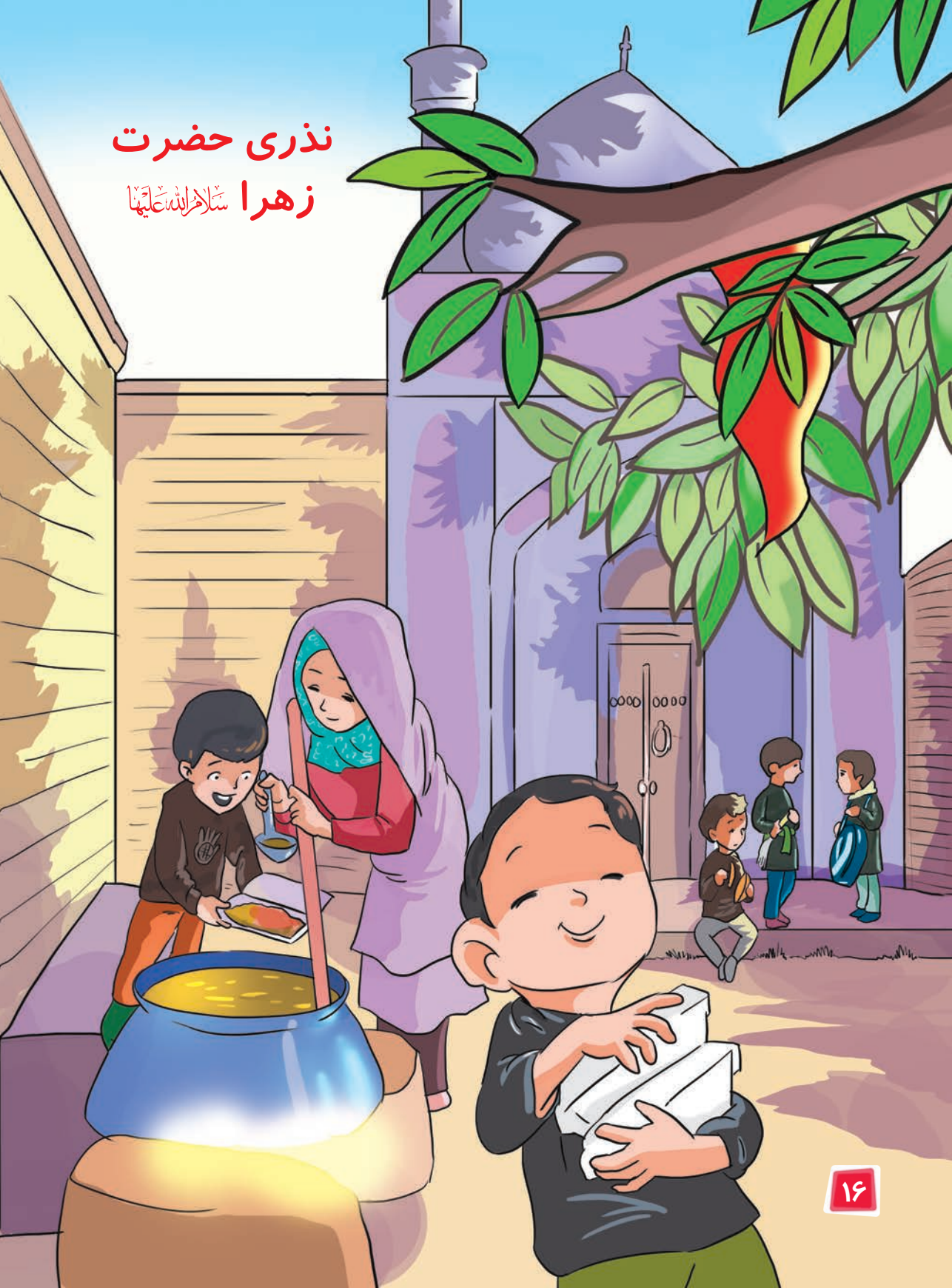
چیستان

۵- در یک خانه‌ی یک
طبقه‌ی صورتی، یک آدم
صورتی، یک گربه‌ی
صورتی، یک ماهی صورتی،
یک کامپیوتر صورتی، یک
صندلی صورتی، یک میز
صورتی، یک تلفن صورتی،
یک دوش صورتی وجود
دارد. همه‌چیز صورتی
است! پله‌ها چه رنگی
است؟

۶- یک دختر در شب در
خانه‌ای که هیچ چراغی
ندارد. نه لامپ، نه شمع،
اما او هنوز در حال مطالعه
است. چگونه؟



نذری حضرت
زهرا ﷺ





سلام بچه ها، اسم من علی هست. می خوام براتون خاطره ای از خودم تعریف کنم.

چند سال پیش وقتی بچه بودم مریض شدم، مادر و پدرم خیلی ناراحت بودند و غصه می خوردند. مادرم میگه: رفتم دو رکعت نماز خوندم و از خدا خواستم تو زودتر خوب بشی و برای حضرت زهرا سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا نذر کردم. چیزی نگذشت که کم کم مریضی رفت و جای خودشو به سلامتی داد. مادرم خیلی خوشحال بود. او نذر کرده بود اگر من خوب بشم، روز شهادت حضرت زهرا سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا نذری درست کنیم و به مردم محل و همسایه ها نذری بدیم.

از اون سال به بعد روز شهادت حضرت، مادرم برای پخت نذری به مسجد می ره و بعضی از همسایه ها هم در پختن نذری کمک می کنند. خانم های زیادی به کمک مادرم میان. وقتی پخت نذری تمام شد مادرم صدام می زنه تا نذری ها رو پخش کنم.

من پخش کردن نذری رو خیلی دوست دارم. امام جماعت مسجد ما در این روز روضه می خونن و در مورد حضرت زهرا سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا صحبت می کنند.

من خیلی حضرت زهرا سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا رو دوست دارم و تلاش می کنم ایشان رو الگوی خودم در زندگی قرار بدم.

پارسا: آقای قصاب، جگر دارید؟

قصاب: جگر سفید یا سیاه؟

پارسا: رنگای دیگه کی میارید؟

مادر: علی، بیا اسفناج بخور آهن دارد.

علی: آخر مادر جان، الان آب خوردم می ترسم زنگ بزنم.

معلم: امیر جان، با حمید یک جمله بساز.

امیر: شما چه قدر شبیه همید.

معلم: بگو بینم، کمبوجیه چه جور پادشاهی بود؟

شاگرد: پادشاه بدی نبود، فقط همیشه از کمبود بودجه شکایت داشت

سخنران: ببخشید که زیاد صحبت کردم. آخر من ساعت ندارم.

یکی از مهمان ها: ساعت نداری تقویم که داری.

سعید: محسن، برادرت که برای زندگی به شهر دیگه رفته از چه راهی امرار معاش می کنه؟

محسن: از راه نویسندگی.

سعید: چه می نویسد؟

محسن: هر ماه به پدرم نامه می نویسد تا برایش پول بفرستد.

فمگدون

شما هم لطیفه های خنده دارتونو برای ما پیامک کنید:

سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۸۴۱۲۰۰۰۰۰۳

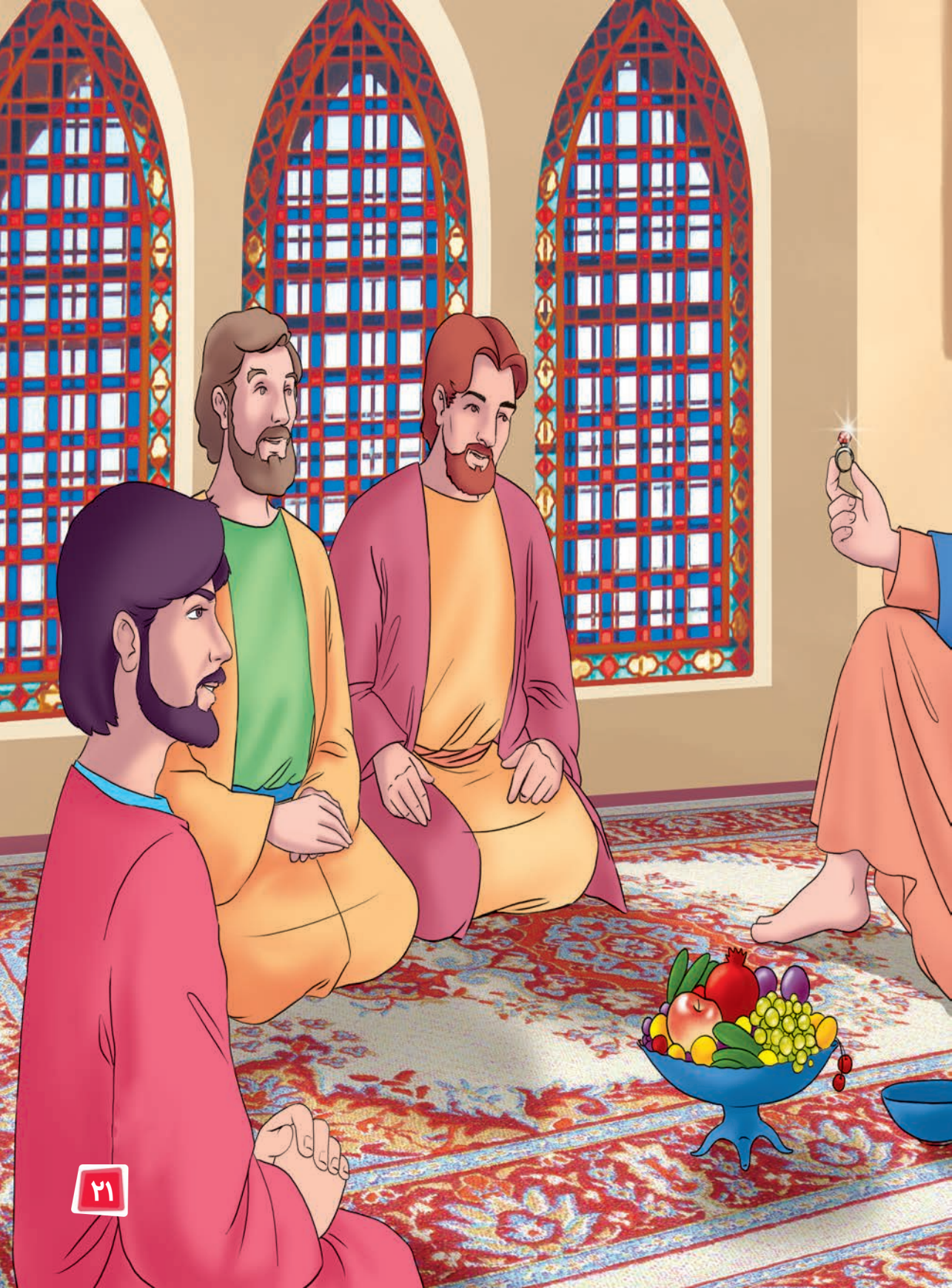


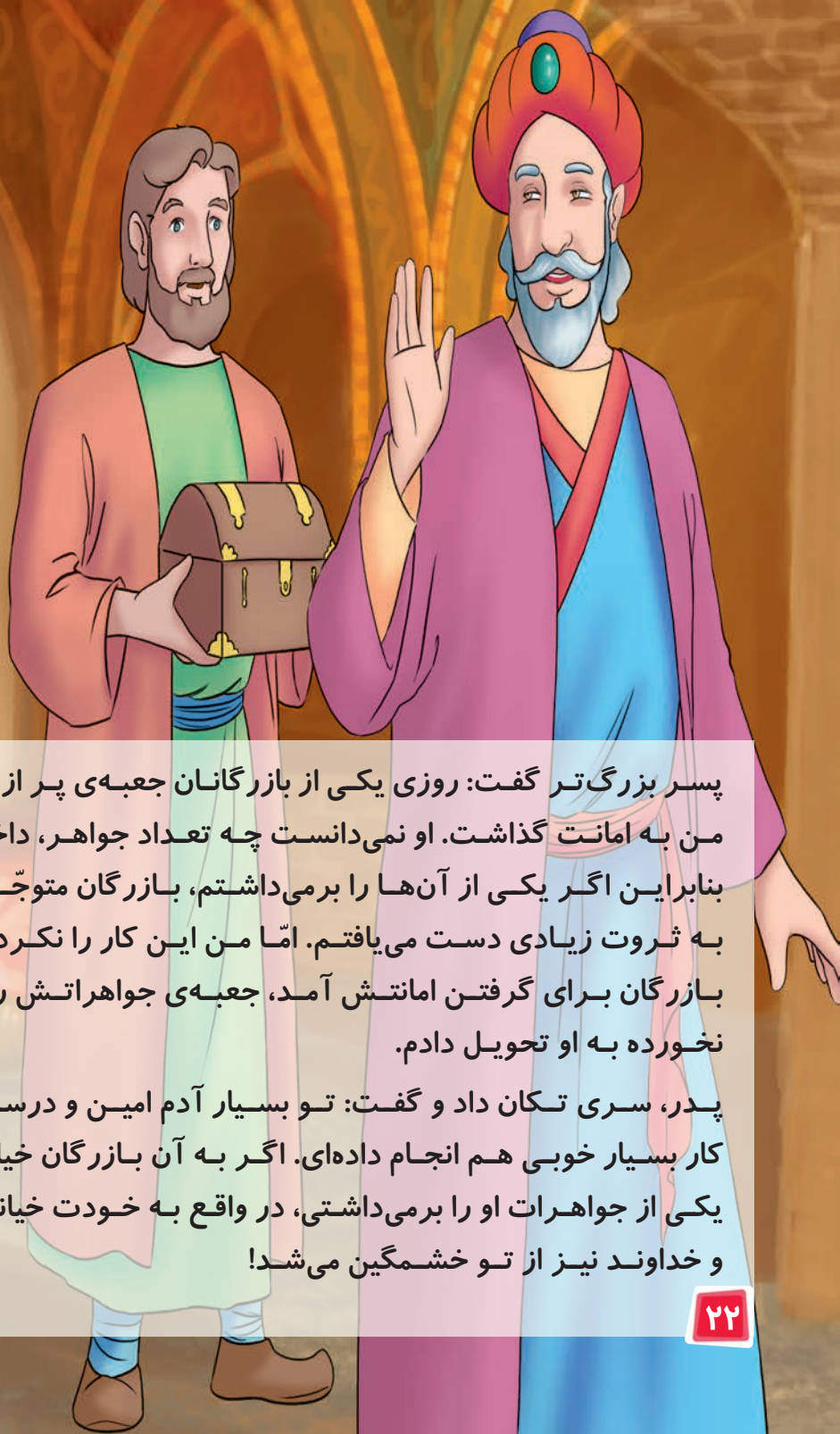
بهترین عمل

یک مرد ثروتمند که سه پسر داشت، یک روز تصمیم گرفت یکی از پسرانشترین جواهراتی را که دارد به بهترین و زرنگ‌ترین پسرش ببخشد. به همین جهت از پسرهایش خواست بهترین کاری را که در سه ماه گذشته انجام داده‌اند، بازگو کنند.

فرزند عزیزم، پس از مطالعه داستان، نظر خود را در مورد این داستان بگوئید؟

سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۸۴۱۲۰۰۰۰۳





پسر بزرگ‌تر گفت: روزی یکی از بازرگانان جعبه‌ی پر از جواهری را نزد من به امانت گذاشت. او نمی‌دانست چه تعداد جواهر، داخل جعبه است. بنابراین اگر یکی از آن‌ها را برمی‌داشتم، بازرگان متوجه نمی‌شد و من به ثروت زیادی دست می‌یافتم. اما من این کار را نکردم و هنگامی که بازرگان برای گرفتن امانتش آمد، جعبه‌ی جواهراتش را کامل و دست نخورده به او تحویل دادم.

پدر، سری تکان داد و گفت: تو بسیار آدم امین و درست‌کاری هستی. کار بسیار خوبی هم انجام داده‌ای. اگر به آن بازرگان خیانت می‌کردی و یکی از جواهرات او را برمی‌داشتی، در واقع به خودت خیانت کرده بودی و خداوند نیز از تو خشمگین می‌شد!

آن گاه، فرزند دوم مرد ثروتمند رشته‌ی سخن را به دست گرفت و گفت: یک بار، پیاده در حال راه رفتن بودم. چشمم به کودکی افتاد که در کنار جویباری بازی و جست و خیز می‌کرد. کودک همان طور که می‌دوید و بازی می‌کرد، پایش سُر خورد و به داخل جویبار افتاد. بی‌درنگ به داخل آب پریدم و کودک را از غرق شدن نجات دادم.

پدر سینه‌اش را صاف کرد و گفت: فرزندم! تو درست همان کاری را که باید می‌کردی، انجام داده‌ای. زیرا تو نمی‌توانستی ببینی آن کودک در جویبار افتاده و برای رهایی او از غرق شدن، هیچ کاری نکنی!



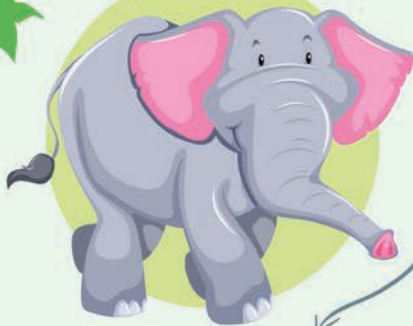


سپس نوبت به پسر سوم رسید. او گفت: یکی از روزهایی که به کوه‌نوردی می‌رفتم، دیدم یک نفر در جای بسیار خطرناکی از کوه، خوابیده! جلوتر که رفتم متوجه شدم او یکی از دشمنان من است که به شدت از من بدش می‌آید و همیشه اذیتم می‌کند. با خودم گفتم حتماً او برای استراحت در این جا نشسته، اما به سبب خستگی زیاد، خوابش برده است. دیدم اگر همه چیز را نادیده بگیرم و بدون آن که او را بیدار کنم، از آن جا بگذرم، جانش در خطر است. چون هر لحظه ممکن بود غلت بزند، به پایین درّه بیفتد و بمیرد! اصلاً وجدانم راضی نشد که او را بیدار نکنم. با این که یقین داشتم اگر مرا ببیند اذیتم می‌کند، جلو رفتم و به آرامی و مهربانی بیدارش کردم تا از مرگ نجاتش دهم.



پدر، آهی کشید و با خوش حالی گفت: آفرین پسر! تو شایستگی این را داری که این گوهر گران بها را به تو بدهم. چن به کسی که به تو بدی کرده، خوبی کرده‌ای. بدون آن که منتظر گرفتن پاداشی از کسی باشی. واقعاً کار خوبی انجام داده‌ای! من به تو افتخار می‌کنم!

جدول حیوانات



ᐅᐃᐅᐅ, ᐱᐱᐱ, ᐱᐱᐱᐱ, ᐱᐱᐱ, ᐱᐱᐱᐱᐱ, ᐱᐱᐱ

၇။ ကနဦး စာ:

۱- فاطمه حسینی، شهید مقدس؛

۲- امیرحسین خسروی، مسجد امام عسکری (ع)، بیرجند؛

۳- زهرا خوش قدم، مسجد حضرت معصومه (ع)، بیرجند؛

۴- مائده بیابانی، مسجدقائم المهدی (ع)، شهید مقدس؛

۵- زهرا علی رضایی، مسجد امام علی (ع)، شهید مقدس؛



رمز جدول را به همراه نام نام
خانوادگی، مسجد و شهرستان برای
ما پیامک کنید: ۳۰۰۰۰۸۴۱۲۰۰۰۰۰۵



پاسخ ماه قبل:

زهرا

۱- امام زمان (عج) برای اجرای..... قیام می کنند

۲- مخالف با خیر است؛

۳- امام زمان (عج) در کبری هستند.

۴- نام اصلی امام زمان (عج) چیست؟

۵- مسجد مقدسی در قم که به نام امام زمان (عج) است.

۶- امام زمان (عج) از شهر..... قیام می کنند.



یک خواهشی!

من می‌خواهم خواهشی از مردم بکنم و آن این است: کسانی که وقت‌های ضایع شونده‌ای دارند؛ مثلاً در اتوبوس، تاکسی، مطب پزشک و ... ، به هرحال اوقاتی را در حال انتظار به بی‌کاری می‌گذرانند، در تمام این ساعات، کتاب بخوانند. کتاب در کیف یا جیب خود داشته باشند. وقتی هم به مقصد رسیدند، نشانی لای کتاب بگذارند و در فرصت‌های بعدی باز کنند و از همان‌جا بخوانند.

سید علی
۱۳۹۵/۱۲/۲۲
رهبرانقلاب

نشریه بچه‌های مسجد، ماهنامه‌ای برای کودکان و نوجوانان عزیز است

که توسط مرکز رسیدگی به امور مساجد خراسان در بین

بچه‌های مسجدی توزیع می‌گردد.

شما خواننده گرامی می‌توانید پیشنهادات و انتقادات خویش را

به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۴۱۲۰۰۰۰۳ ارسال نمایید.